

The Pathology of Religious Education of High School Students (From the Viewpoints of Educators, Teachers and Students)

Babak Shamshiri *

Ali Shirvani Shiri **

Leila Zar'ei ***

This research generally aims at identifying the damages of religious education in the formal education system of the country, and providing appropriate solutions for the reduction of these problems on the basis of the views of teachers, educators and students. In this modern era of education, in which indicators of knowledge and life skills are being redefined almost every day, a highly important issue that has attracted the attention of most educational experts and research topics, involves the new plan of religious education in the formal education system of the country. This is a qualitative research using a semi-organized interview method. The research community includes university professors, religious and educational teachers, and high school students selected purposefully by maximum diversity and saturation point sampling method. The data analysis contains a descriptive-interpretive approach. Findings showed that destructive factors and barriers against religious education can be divided into two groups: 1. Factors related to the officials and curriculum planners, and 2. Factors related to the curriculum designing (needs analysis, objectives, content, method, teachers, comprehensiveness, time, place, evaluation). To conclude, some of these damages can be prevented by reconsidering the development of all stages of curriculum planning and coordination among all institutions of the society and paying attention to the hidden curriculum.

Keywords: Education, pathology, religious training, the education system

* Associate professor at the Department of Educational Sciences, Shiraz University.

babakshamshiri@yahoo.com

** Corresponding author: assistant professor at the Department of Educational

Sciences, Farhanguian University.

ali_shiravani@cfu.ac.ir

*** Master's degree.

zare7068@gmail.com

آسیب‌شناسی تعلیم و تربیت دینی در دانش‌آموزان متوسطه (از دیدگاه متخصصان تعلیم و تربیت، معلمان و دانش‌آموزان)

علی شیروانی شیرینی *

بابک شمشیری *

لیلا زارعی ***

پذیرش نهایی: ۱۴۰۰/۰۳/۰۳

دریافت مقاله: ۱۳۹۸/۰۴/۱۶

چکیده

هدف کلی پژوهش حاضر، شناسایی آسیب‌های تعلیم و تربیت دینی در نظام آموزش و پرورش رسمی کشور و ارائه راهکارهای مناسب در جهت کاهش آنها با توجه به نگاه معلمان، متخصصان و دانش‌آموزان در این زمینه می‌باشد. در عصر جدید که تقریباً همه‌روزه، شاخص‌های دانش و مهارت‌های زندگی در آن، از نو تعریف می‌شوند، یکی از مهم‌ترین مسائلی که توجه اغلب صاحب‌نظران تعلیم و تربیت را به خود جلب و پژوهش در این زمینه را ضروری نموده، رویکرد طرح نوین تربیت دینی در حوزه نظام آموزش و پرورش رسمی کشور است. این پژوهش در رویکرد کیفی و با روش مصاحبه نیمه‌سازمان‌یافته انجام گرفته است. جامعه پژوهشی، اساتید تعلیم و تربیت دانشگاه‌ها، معلمان دینی و پرورشی و دانش‌آموزان دوره متوسطه می‌باشند که به صورت هدف‌مند انتخاب شده‌اند و از اصل نمونه‌گیری با حداکثر تنوع و رسیدن به نقطه اشباع بهره گرفته‌ایم. رویکرد تجزیه و تحلیل داده‌ها نیز رویکردی توصیفی - تفسیری است. یافته‌ها نشان داد که عوامل آسیب‌زا و موانع تربیت دینی را می‌توان به: ۱. عوامل مربوط به مسئولان و برنامه‌ریزان درسی و آموزشی و ۲. عوامل مربوط به فرایند برنامه‌درسی (نیازسنجی، اهداف، محتوا، روش، معلم، فراگیر، زمان، مکان، ارزشیابی) تقسیم نمود. در نهایت با تجدیدنظر در تدوین همه مراحل برنامه‌ریزی درسی و هماهنگی بین‌بخشی همه نهادهای جامعه و توجه به برنامه درسی پنهان، بخشی از این آسیب‌ها قابل پیشگیری هستند.

کلیدواژه‌ها: تربیت؛ آسیب‌شناسی؛ تربیت دینی؛ نظام آموزش و پرورش

babakshamshiri@yahoo.com

* دانشیار، گروه علوم تربیتی، دانشگاه شیراز، ایران

ali_shiravani@cfu.ac.ir

** نویسنده مسئول: استادیار، گروه علوم تربیتی، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران

zareei7068@gmail.com

*** کارشناسی ارشد

مقدمه و بیان مسئله

دین به عنوان کلید اساسی فهم تاریخ و تحولات اجتماعی و به عنوان اصل وحدت بخش که هماهنگی و هم‌فکری بین اقشار و گروه‌های مختلف جامعه را سبب می‌شود، نقش بسیار مهمی در فرایند تربیت و جامعه‌پذیری انسان‌ها ایفا می‌کند. دین پدیده‌ای هماهنگ و همساز با فطرت انسانی و یکی از علائق کهن بشری است که همیشه به عنوان یک نیاز ضروری اساسی میان انسان‌ها خودنمایی کرده است. یافته‌های دانشمندان بهترین گواه این مدعاست که تاریخ زندگی بشر با دین آمیخته است (مشرقی، ۱۳۸۹).

به باور برخی پژوهشگران درجه اعتقادی نوجوانان به مقوله دین بسیار خوب است، اما رفتار دینی آنان درجه پایین تری را نسبت به سطوح اعتقادات آنان نشان می‌دهد (علوی، ۱۳۸۵). از طرف دیگر، جوانان نارضایتی خود را از آموزه‌های دینی در مدارس به شکل‌های مختلف بیان می‌کنند. مشاهده وضعیت دینداری دانش‌آموزان و میزان پایبندی آنان به دستورات اسلام نشان می‌دهد که آموزش و پرورش در تحقق هدف‌های تربیت دینی موفقیت چندانی بدست نیاورده است (رضوانی بینقی، ۱۳۸۰). متأسفانه واقعیت‌ها نشان می‌دهد که در جامعه ما دغدغه تظاهر به دین وجود دارد و تعداد متظاهران به دین، به مراتب بیشتر از معتقدان به آن است (آکوچیان، ۱۳۷۸). در نتیجه با وجود اهمیت تربیت دینی در جامعه ما و صرف هزینه‌های سنگین در خصوص عناصر مختلف آموزشی واقعیت‌های آشکار جامعه ما حکایت از ضعف و ناکارآمدی نظام آموزش و پرورش رسمی کشور در تربیت دینی دانش‌آموزان دارد. این واقعیت‌ها نشان می‌دهد آموزش‌ها در این زمینه منجر به تربیت دینی و توسعه احساسات و تجارب دینی فراگیران نشده و تنها در حد تراکم اطلاعات و اندوخته‌های ذهنی آنها باقی مانده است. این واقعیت‌ها بیانگر وجود آسیب‌هایی در فرایند تربیت دینی دانش‌آموزان می‌باشد که نیاز است شناسایی و در جهت رفع آنها اقدام شود. با توجه به مسئله حاضر این سؤال مطرح است که چه آسیب‌هایی در ارتباط با تعلیم و تربیت دینی دانش‌آموزان، در نظام آموزش و پرورش رسمی کشور وجود دارد؟

دوره متوسطه به واسطه بسیاری از فشارهای روانی، جسمانی و مشکلات سازگاری، ویژگی‌های خاصی را به نوجوان و جوان می‌بخشد. این دوره در بسیاری از کشورهای در حال توسعه، منبع اصلی تولید نیروهای انسانی نیمه‌ماهر است. دوره متوسطه از دوره‌های مهم و حساس و مؤثر در زندگی

فردی و اجتماعی آدمی است. دوره‌ای که به سبب وضع زیستی، اجتماعی و روانی دانش‌آموزان با سایر دوره‌های تحصیلی مشترکات و ممیزاتی دارد. این دوره دارای طیف وسیعی است که دوران نوجوانی را دربرمی‌گیرد و در انتهای طیف به جوانی می‌رسد (صافی، ۱۳۸۴: ۹۰).

باتوجه به اهمیت موضوع، پژوهش حاضر در پی شناسایی زمینه‌های آسیب‌پذیری تربیت دینی و همچنین یافتن راهکارهای دقیق و مشخص برای فراهم‌ساختن زمینه‌های توفیق بیشتر است. اما باید توجه داشت که به همان اندازه که برنامه‌ریزی برای تربیت دینی مهم است، بحث از آسیب‌شناسی آن نیز از اهمیت فراوان برخوردار است. آسیب‌شناسی بخشی از فرایند ارزیابی و برنامه‌ریزی است. شناخت آسیب‌ها باعث می‌شود تا از گرفتاری در چنگال این آسیب‌ها درامان ماند و بتوان به تربیت درست و سالم دست یافت. با آسیب‌شناسی، اشکالات پنهان برنامه آشکار و راه‌حل‌ها پیدا می‌شود و در نتیجه برنامه‌ریزان می‌توانند برنامه‌ریزی بهتری داشته باشند. مریبان با عوامل و موانع تربیت آشنا می‌شوند و در پرتو این شناخت به تعدیل و یا اصلاح آسیب‌ها می‌پردازند تا در مسیر تربیت خود موفق گردند.

تشخیص آسیب‌ها نوعی پیشگیری و درحقیقت، تلاشی مشفقانه برای افزایش مصونیت تربیت دینی از آفات است. برای توفیق در تربیت دینی، شناخت آسیب‌های آن برای برنامه‌ریزان آموزش و پرورش، سیاست‌گذاران، متخصصان تعلیم و تربیت، معلمان و مسئولین به‌منظور آشنایی با آفت‌های راه‌یافته در فرهنگ جهانی و بسیاری از نگرش‌ها و روش‌های رایج در تربیت دینی، می‌تواند مفید و کاربردی باشد.

در پژوهش حاضر هدف کلی، شناسایی آسیب‌های تعلیم و تربیت دینی در نظام آموزش و پرورش رسمی کشور و ارائه راهکارهای مناسب در جهت کاهش آنها با توجه به نگاه معلمان، متخصصان و دانش‌آموزان در این زمینه است. باتوجه به هدف پژوهش، پرسش‌های اصلی پژوهش را این‌چنین می‌توان مطرح نمود:

۱. از نگاه متخصصین، معلمان دینی و دانش‌آموزان، چه آسیب‌هایی در ارتباط با تعلیم و تربیت دینی در نظام آموزش و پرورش رسمی کشور وجود دارد؟

۲. از نگاه متخصصین، معلمان دینی و دانش‌آموزان، چه راهکارهایی برای مقابله با آسیب‌های

تعلیم و تربیت دینی در نظام آموزش و پرورش کشور وجود دارد؟

مبانی نظری

نظام آموزشی در هر کشوری متأثر از مکتب فلسفی آموزش و پرورش آن کشور است. در این نظام دولت مردان اهداف کلی را تعیین می‌کنند و برنامه‌ریزان در قالب آن اهداف، راهبردها و روش‌های رسیدن به آنها را مشخص می‌نمایند. یکی از این اهداف مهم نظام آموزشی، تربیت دینی دانش‌آموزان است که از اهداف مهم و راهبردی به‌شمار می‌رود (شاطریان، محمدی، سلطان‌عینی، ۱۳۸۵: ۱۱۷). مبالغه نیست اگر بگوییم عمده‌ترین و اصلی‌ترین مسائل جامعه، مسئله تربیت است. تربیت یا به تعبیر قرآن کریم تزکیه همان است که هدف بعثت پیامبر گرامی اسلام است (بهشتی، ۱۳۶۶). تربیت متوجه این هدف است که "خود انسان انسانی بسازد که از انسانیت خود برخوردار باشد" (حجتی، ۱۳۶۶: ۱۳). از آنجا که انسان موجودی اثرگذار، اثرپذیر و دارای نیروی اختیار انتخاب و اراده است، بنابراین برای شکوفایی و به‌فعلیت رسیدن قوا و استعدادهایش نیاز به تربیت دارد. در میان انواع تربیت، تربیت دینی حائز اهمیت فراوان است. زیرا از سویی، سرشار از معارف و آموزه‌های الهی است و از سوی دیگر برای تمام ابعاد وجودی انسان برنامه دارد و در ساختن شخصیت انسان منحصربه‌فرد است. تنها تربیت دینی است که می‌تواند نیازهای مختلف او را برآورده و زمینه تکامل همه‌جانبه او، به‌ویژه در بعد معنوی و الهی را فراهم کند. این تربیت مهم و معتبر است که باید در مدارس بیش از پیش مورد توجه قرار گیرد (باواخانی و میرشاه‌جعفری، ۱۳۹۴).

تربیت دینی به‌معنای به‌فعلیت رساندن کمالات معنوی بالقوه در مرتبه‌ای است. به بیان دیگر، تربیت دینی عبارت است از ایجاد تغییر تدریجی در مرتبه‌ای برای سیر از بودن به شدن یا انتقال از وضعیت بالقوه به بالفعل براساس اهداف و ارزش‌های دینی در هر یک از ابعاد یا ساحت‌های بدنی، شناختی، عاطفی و رفتاری (ساجدی، ۱۳۸۸). این نوع تربیت مستلزم فعالیت‌های نظام‌مند و برنامه‌ریزی شده نهادهای آموزشی جامعه است. به‌منظور آموزش بینشی، منشی و قالب‌های دینی به افراد به‌گونه‌ای که در عمل نیز به آنها پایبند باشند (داوودی و اعرافی، ۱۳۹۴).

بنابراین، در تربیت دینی دو خصلت مدنظر است، الف) تربیت بر محور آموزه‌ها و ارزش‌های دینی صورت گیرد. ب) دین، بینش، گرایش و ارزش‌های آن با روش‌های معتبر و مؤثر و به‌صورت تدریجی درونی شود. در تربیت دینی باید اعتقادات بر محور عقل و برهان روشن، اخلاقیات

مبتنی بر آگاهی و رعایت نیازهای درونی و عواطف و احساسات باطنی، احکام بر محور عبادات آموزش داده شود.

در مبانی نظری تحول بنیادین در نظام تعلیم و تربیت رسمی و عمومی در جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۰)، به تربیت دینی توجه اساسی شده است. رویکرد حاکم بر فلسفه و سند تربیت باور عمیق به اسلام و اندیشه‌ها و ارزش‌های والای آن و جامعیت و شمول آن است. در سند ملی تربیت، مبانی دین شناختی از مبانی اساسی تربیت قلمداد شده است و در بحث از الگوی نظری ساحت‌های تربیت، ساحت تربیت اعتقادی، عبادی و اخلاقی به‌عنوان اولین و مهم‌ترین ساحت مورد توجه است. حدود و قلمرو تربیت اعتقادی، عبادی و اخلاقی ناظر به خودشناسی و معرفت نسبت به خداوند متعال، معاد، نبوت و پذیرش ولایت رهبران دینی و پیروی از ایشان است.

اصطلاح آسیب‌شناسی تربیت دینی در معارف و تربیت اسلامی، یکی از مهم‌ترین مباحث فلسفه دین به‌شمار می‌رود. شاید بتوان شهید مطهری (ره) را از پیشکسوتان معاصر و جزء اولین کسانی دانست که اصطلاح آسیب‌شناسی تربیت دینی را در حوزه اندیشه و تفکر دینی وارد نموده و در آثار خود به بررسی جوانب متعدد تحریفات دینی پرداخت (خسروپناه دزفولی، ۱۳۸۶). در فرایند آسیب‌شناسی تربیت دینی، اختلال‌های مفهومی و مصداقی در به‌کارگیری مفاهیم و معیارهای دینی در جریان تربیت مورد بازشناسی قرار می‌گیرد و معین می‌شود که در هر مورد، کدام نوع از این اختلال‌ها در کار بوده و چه نوع آسیب‌هایی را در ذهن و ضمیر متریبان موجب می‌شود (ساجدی، ۱۳۸۸). همچنین آسیب‌شناسی معرفت و تربیت دینی عبارت است از شناخت و بررسی ناهنجاری‌ها، موانع، عایق‌ها، محدودیت‌های موجود در زمینه‌های ایجاد باور و اعتقاد دینی در متریبان و نیز عدم انطباق رفتار آنان با هنجارها و معیارهای دینی در کل جامعه، به‌ویژه در نظام تعلیم و تربیت کشور (کیومرثی، ۱۳۸۹).

بنابراین، آسیب‌شناسی تربیت دینی در واقع شناخت آسیب‌هایی است که بر اعتقادات دینی و معرفت دینی و یا رفتار عملی، در اندیشه و عملکرد جامعه دینی وارد می‌شود و یا ممکن است وارد شود. این آسیب‌ها می‌تواند عوامل و منشأهای گوناگون داشته باشد که از آن جمله می‌توان به عقاید و معرفت دین‌شناسان و رفتار دینداران اشاره کرد.

به دلیل اهمیت نقش مدرسه و آموزش و پرورش در تربیت دینی دانش‌آموزان، انتظارات از این نهاد تربیتی افزایش یافته و برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران نظام تعلیم و تربیت به انجام تغییرات و

تحولاتی در نظام آموزش و پرورش پرداختند، تا زمینه را برای پرورش انسان‌های مؤمن و متخلق به اخلاق و آداب دینی فراهم سازند. تربیت دینی در مدارس و به‌طور کلی در سطح آموزش و پرورش، مهم‌ترین دغدغه جامعه دینی کشورمان می‌باشد. تحولات خوبی در نظام پرورش دینی و اخلاقی کشور صورت گرفته است. این تحولات متناسب با روند رو به رشد جامعه ما نبوده و در بسیاری از موارد نوعی جاماندگی و درج‌ازدگی دیده می‌شود و در بعضی ابعاد هم هنوز وارد نشده‌ایم. انتظار این بود که با تشکیل نهاد امور تربیتی و تحولات دیگری که در نظام آموزش و پرورش در زمینه تربیت دینی صورت گرفته بود، اهداف مورد نظر محقق شود. اما به دلایل مختلف انتظارات متولیان و برنامه‌ریزان تعلیم و تربیت تحقق نیافت و لذا دغدغه عدم کارایی لازم در زمینه تربیت دینی دانش‌آموزان بالا گرفت و چنین نتیجه‌گیری شد که علی‌رغم سعی و تلاش زیاد آموزش و پرورش در تربیت دانش‌آموزان و کسب برخی موفقیت‌ها، هنوز دشواری‌ها و بن‌بست‌هایی زیادی پیش روی آن قرار دارد (باقری، ۱۳۸۰). در این باره بعضی از صاحب‌نظران چنین مطرح کردند که تعلیم و تربیت کنونی در اغلب موارد بیش از آنکه اخلاق را درونی کند، دانش‌آموزان را وادار به تظاهر اخلاق می‌کند (کریمی، ۱۳۸۱).

پیشینه پژوهش

بناری (۱۳۸۰) در مقاله‌ای با عنوان «نگاهی به عوامل آسیب‌شناسی تربیت دینی نوجوانان و جوانان با تأکید بر عوامل آسیب‌زا در نظام آموزش و پرورش» بیان می‌کند که این عوامل را می‌توان به عوامل درونی (عوامل مربوط به خود نوجوانان و جوانان) و عوامل بیرونی (عوامل مربوط به خارج از نوجوانان و جوانان) تقسیم نمود و عوامل بیرونی را به عوامل و موانع خارج از نظام آموزش و پرورش و عوامل مربوط به نظام آموزش و پرورش دسته‌بندی نمود: در این مقاله تأکید بر توضیح و تحلیل عوامل بیرونی به‌ویژه عوامل مربوط به نظام آموزش و پرورش است.

دانشگر، جعفری و لیاقت‌دار (۱۳۸۳) در مقاله‌ای با عنوان «آسیب‌پذیری تربیت دینی و زمینه‌های آموزشگاهی آن»، به بررسی میزان تأثیر زمینه‌های آموزشگاهی در آسیب‌پذیری تربیت دینی دانش‌آموزان پرداختند. نتایج حاصل از پژوهش نشان داد که شش مؤلفه شیوه مدیریتی مدرسه، ویژگی‌های شخصیتی معلمان، محتوای کتاب‌های دینی، بعد ساختاری مدرسه و در نهایت بعد فرهنگی - اجتماعی مدرسه بیش از سطح متوسط در آسیب‌پذیری تربیت دینی دانش‌آموزان نقش

داشته‌اند.

رهنما، طباطبایی و علیین (۱۳۸۵) در پژوهشی با عنوان «آسیب‌شناسی تربیت دینی دانش‌آموزان از دیدگاه مدیران مدارس راهنمایی شهر تهران»، عوامل آسیب‌زا در تربیت دینی را شامل موارد زیر می‌دانند: محتوای کتب درسی مربوط به تربیت دینی، وجود یا عدم وجود برخی ویژگی‌ها و خصوصیات در معلمان دینی و پرورشی، محیط مدرسه و عوامل مربوط به آموزشگاه، خانواده و اجتماع.

حسین‌زاده و مشرفی (۱۳۸۵) در پژوهشی با عنوان «تحلیل عوامل آسیب‌زای تربیت دینی دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی»، شش عامل زیر را به‌عنوان عوامل اصلی آسیب‌زا در تربیت دینی مشخص کرده‌اند که به ترتیب اهمیت عبارتند از: شبهات دینی، عدم درک نیازها و مشکلات نسل جوان، ناکارآمدی کانون‌های تربیت دینی، سهل‌انگاری و قصور والدین، فضای ریزوماتیک و ریاکاری.

غروی‌ان (۱۳۸۵) در مقاله‌ای با عنوان «موانع اصلی تعلیم و تربیت دینی»، عوامل درون ساختار نظام آموزش و پرورش را مانع اصلی تربیت دینی صحیح می‌داند که این عوامل عبارتند از: خودباوری مسئولان آموزش و پرورش، پرهیز از خودبیبگانگی فرهنگی و خودباختگی فرهنگی.

رهنما (۱۳۸۶) در مقاله‌ای با عنوان «آسیب‌شناسی تربیت دینی دانش‌آموزان دوره متوسطه از دیدگاه مدیران و دبیران دینی شهر قم»، روش‌ها، محتوای تربیت دینی و همچنین جو کلی حاکم بر آموزشگاه و هماهنگی بین خانه و مدرسه، مورد بررسی قرار دادند. براساس تجزیه و تحلیل داده‌ها مشخص شد که از نظر دبیران دینی، آسیب‌پذیری دانش‌آموزان به ترتیب شامل ناهماهنگی بین آموزه‌های دینی آموزشگاه و خانواده، نوع محتوا و متون دینی، روش‌های تربیت دینی و جو کلی حاکم بر آموزشگاه بود. در پژوهش حاضر مشخص شد که از دیدگاه دبیران مقطع متوسطه شهر قم آسیب‌پذیری دانش‌آموزان در تربیت دینی به ترتیب شامل موارد زیر است: اعمال فشار و اجبار و بهره‌گیری از عامل تحمیل، کم‌توجهی به نیازها (شامل نیازهای دانش‌آموزان، نیازهای ناشی از شرایط اجتماعی و نیازهای روز) در محتوا و متون دینی، کج‌سلیقگی در امر آموزش‌های دینی از جانب آموزشگاه و ناهماهنگی بین روش‌ها و اقدامات تربیتی خانه و مدرسه.

چراغ‌چشم (۱۳۸۶) در مقاله‌ای با عنوان «آسیب‌شناسی تربیت دینی در مدارس»، آسیب‌های زیر را برمی‌شمارد: بی‌توجهی به عواطف جهت انتقال باورهای دینی، پرداختن به جنبه‌های رفتاری

تربیت دینی به جای جنبه معرفتی، عدم بهره‌مندی از معلمان متخصص و متدین در امر تربیت دینی، نداشتن برنامه جامع تربیت دینی در تمامی سنین دانش‌آموزان، کارایی ضعیف مربیان قرآن و عدم توانمندی بالای آنها در امر تدریس و عدم استفاده وسایل کمک آموزشی در تربیت دینی.

باواخانی و میرشاه‌جعفری (۱۳۹۴) در مقاله‌ای با عنوان «آسیب‌شناسی تربیت دینی در برنامه درسی دوره متوسطه از منظر معلمان و دانش‌آموزان»، آسیب‌ها را در چند حیطه بررسی کردند.

۱. آسیب‌های مربوط به برنامه‌ریزی نظام آموزش و پرورش:

نبود کارشناس دینی در مدارس، جدادانستن دین از زندگی، بیان‌نشدن صحیح و تأثیرگذار دین از کودکی در آموزش و پرورش. اعتبار شغلی پایین مربیان پرورشی نسبت به سایر معلمان، جذاب نبودن درس دینی، بی‌دقتی در انتخاب مربیان پرورشی از حیث بنیه علمی فرهنگی.

۲. آسیب‌های مربوط به الگوها:

مربوط به معلمان: فقدان الگوی مناسب برای دانش‌آموزان، تفاوت میان گفتار و رفتار معلمان، نداشتن شناخت کافی معلمان از دین و علم روز.

مربوط به دوستان: بی‌توجهی به نقش همسالان و دوستان.

۳. آسیب‌های مربوط به فضای آموزشی:

نبود شادی و نشاط در مدرسه، نبود فضای مناسب تربیتی، تحمیل و سختگیری در اجرای

احکام.

دژاکام (۱۳۷۵) در کتاب معرفت دینی: تحلیلی از نظرگاه‌های استاد مطهری، علل دین‌گریزی نسل جوان را نبودن الگوی عملی در دینداری، بیان غیرمعقول برخی مفاهیم دینی، عدم وجود عدالت اجتماعی در توزیع قدرت و ثروت، عدم توجه به نیازهای اساسی و اصیل نسل جوان، تعارض و تضاد بین برخی از نیازهای آغازین نسل جوان و مسائل دینی، بازیچه‌شدن دین در دست بعضی از سیاست‌بازان برای منافع شخصی یا گروهی، عدم برنامه‌ریزی صحیح فرهنگی برای نسل جوان، تهاجم برنامه‌ریزی شده فرهنگی دشمنان داخلی و خارجی جهت انحراف نسل جوان می‌داند (دژاکام، ۱۳۷۵).

روش تحقیق

پژوهش حاضر با استناد به دیدگاه کرسول، از نوع پژوهش‌های کیفی است. کرسول^۱ (۱۹۹۵) در توضیح طرح پژوهش کیفی معتقد است که چگونگی گردآوری داده‌ها، تجزیه و تحلیل و شیوه گزارش آنها در تعیین طرح پژوهش مؤثرند. از این رو، پژوهش حاضر در رویکرد پژوهش‌های کیفی قرار می‌گیرد (کرسول، ۱۹۹۵: ۱۴۶). با توجه به ماهیت موضوع پژوهش حاضر، طرح پژوهش از نوع غیرپیدایشی^۲ می‌باشد.

با استناد به دیدگاه مارشال و راسمن، چهارنوع روش گردآوری داده وجود دارد که عبارتند از: مشاهده مشارکتی، مشاهده مستقیم، مصاحبه عمیق و بررسی اسناد و مدارک (مارشال و راسمن، ۱۹۹۵، ترجمه پارسایان و اعرابی، ۱۳۹۵: ۱۰۹). گردآوری داده‌های کیفی در محیط طبیعی رخ می‌دهد. از این رو، با توجه به کیفی بودن نوع پژوهش و طرح تحقیق غیرپیدایشی و نیز با توجه به موضوع پژوهش^۳، پژوهشگر خود به عنوان ابزار پژوهش^۴ به گردآوری داده‌های موردنظر پرداخته است. در این پژوهش گردآوری داده‌ها به صورت مصاحبه نیمه‌سازمان‌یافته صورت گرفت. پژوهشگر به منظور فهم عمیق مسئله با بیست نفر از متخصصان تعلیم و تربیت، معلمان و دانش‌آموزان شهر شیراز که به صورت هدف‌مند انتخاب شده بودند. پیرامون عوامل آسیب‌زا در فرایند تعلیم و تربیت دینی، از روش مصاحبه نیمه‌سازمان‌یافته استفاده کرده و با مقایسه مستمر داده‌ها از طریق رفت و برگشت میان داده‌های به دست آمده، مجموعه مقوله‌های موردنظر از عوامل آسیب‌زا در تربیت دینی را استخراج نموده است. پژوهشگر در انتخاب افراد مورد مطالعه با استناد به دیدگاه پتن^۵ به شیوه نمونه‌گیری هدف‌مند^۶ عمل نموده است. به گونه‌ای که از روش نمونه‌گیری با حداکثر تنوع^۷ و رعایت اصل اشباع شدگی^۸ بهره گرفته است (لینکن و گیوبا، ۱۹۸۵، به نقل از میکات و موروس، ۱۹۵۵: ۵۶-۵۷).

با توجه به پیدایشی بودن طرح پژوهش حاضر و اینکه در استخراج و تجزیه و تحلیل داده‌های

1. John w. Creswell
2. Nonemergent
3. Focus Of Inquiry
4. Researcher as Instrument
5. Michael Quinn Patton
6. Purposive Sampling
7. Maximum Variation Sampling
8. Saturation

پژوهش از روش مقایسه مستمر داده‌ها استفاده می‌شود، رویکرد مورد استفاده در تجزیه و تحلیل داده‌ها در این پژوهش، با استناد به دیدگاه استراس و کوربین (۱۹۹۰)، به نقل از میکات و موروس (۱۹۹۵: ۱۲۳) رویکرد توصیفی-تفسیری است.

روش اعتمادسازی در این پژوهش، روش مسیر ممیزی می‌باشد که طی آن پژوهشگر مراحل را که در پژوهش طی کرده، ثبت و در اختیار خوانندگان قرار داده است.

نشانه‌های اختصاری

نشان	توضیحات
آ	آسیب‌های تعلیم تربیت دینی در دانش‌آموزان متوسطه
ر	راهکارهای در ارتباط با این آسیب‌ها
م	مصاحبه

یافته‌ها

برای پاسخگویی به پرسش‌ها از روش تحلیل محتوا استفاده شده است. تحلیل و بررسی یافته‌های این پژوهش بر مبنای این روش به این صورت که ابتدا نکات کلیدی مرتبط با موضوع پژوهش، از متن مصاحبه‌ها به شیوه کدگذاری باز بیرون کشیده شده و کدهای مربوط به هر نکته تعیین شدند، در مرحله بعد با کنارهم قراردادن نکات کلیدی و مقایسه مستمر آنها، مفاهیم اولیه و مقوله‌های مرکزی تعیین شدند.

تحلیل و بررسی مصاحبه‌های پژوهش

در تحلیل و بررسی داده‌ها، ابتدا جهت پاسخ به پرسش‌های مصاحبه که در ذیل آمده است، از بیست نفر از متخصصان تعلیم و تربیت، معلمان و دانش‌آموزان که به صورت هدف‌مند انتخاب شده بودند، مصاحبه نیمه عمیق انجام شد و سپس مورد تجزیه و تحلیل پژوهشگر قرار گرفت. در این پژوهش دو پرسش اصلی مطرح شده که عبارتند از:

۱. چه آسیب‌هایی در ارتباط با تعلیم و تربیت دینی در دانش‌آموزان متوسطه وجود دارد؟

۲. چه راهکارهایی در ارتباط با این آسیب‌ها پیشنهاد می‌کنید؟

یکی از ۲۰ مصاحبه جهت نمونه در ذیل آمده است.

جدول ۱. نکات کلیدی مطرح‌شده در متن مصاحبه شماره ۱

عناصر	نکات کلیدی
آسیب‌های تعلیم و تربیت دینی مربوط به دانش‌آموزان متوسطه	۱. کم‌رنگ بودن نقش عقل در تربیت دینی
	۲. سطحی‌نگری در تربیت دینی
	۳. توجه به سخن گفتن درباره واجبات و محرمات به جای عمل
	۴. عدم کاربردی بودن محتوا
	۵. فراموش شدن اخلاص در کارها و امیدپوری
راهکارها	۱. تدوین محتوا با توجه به فرهنگ جامعه محلی
	۲. هماهنگی جامعه و رسانه و خانواده با مدرسه
	۳. شناسایی شیوه‌های تفکر سنتی و کلیشه‌ای که موجب نابردباری و تبعیض و خرافات می‌شود

الف) آسیب‌های مربوط به تعلیم و تربیت دینی در دانش‌آموزان متوسطه در این بخش براساس اولین پرسش اصلی مطرح‌شده که عبارت بود از: "چه آسیب‌هایی در ارتباط با تعلیم و تربیت دینی در دانش‌آموزان متوسطه وجود دارد؟"، آسیب‌های مطرح‌شده در یکی از مصاحبه‌ها، تحت عناوین مشخص زیر مورد بررسی قرار می‌گیرد. سپس در جدول (۳)، آسیب‌های برآمده از تمام مصاحبه‌ها یکجا مطرح می‌شود.

۱ م ۱ آ

۱. کم‌رنگ بودن نقش عقل در تربیت دینی
جایگاه علم و علم‌آموزی در کنار عقل به عنوان عاملی مؤثر در دستیابی به حیات طیبه جا نیفتاده و نقش فعال دین عمل به دانسته‌ها به حاشیه رفته است.

۱ م ۲ آ

۲. سطحی‌نگری در تربیت دینی

به جای اقدام محوری آرزوپرور شده ایم، سنخیت شخصیت با خوبی ها کاهش یافته است.

۱ م ۳ آ

۳. توجه به سخن گفتن درباره واجبات و محرمات به جای عمل سخن در انجام اجبات و ترک محرمات جای عمل را گرفته است. کار برای خدا، اخلاص، امیدپروری را فراموش کرده ایم.

۱ م ۴ آ

۴. عدم کاربردی بودن محتوا در انتقال مطالب دینی به طور علمی و عملی، تبدیل نظریه به عمل و کاربرد، کمبودهایی دیده می شود.

۱ م ۵ آ

۵. فراموش شدن اخلاص در کارها و امیدپروری کار برای خدا، اخلاص، امیدپروری را فراموش کرده ایم.

جدول ۳. آسیب های تعلیم و تربیت دینی در دانش آموزان متوسطه

ابعاد آسیب	حوزه آسیب کلی
سطحی نگری	عدم توجه به عقل در تربیت دینی
کم رنگ بودن نقش عقل	
عدم تناسب با زندگی اجتماعی و عملی	محتوا
عدم تناسب با توانایی های ذهنی	
عدم تناسب با نیاز درونی و فطرت	
عدم تناسب با تفاوت های فردی	
شفاف و روان نبودن	
دردسترس نبودن منابع بیشتر	محتوا
عدم تناسب با نیاز جامعه	
عدم شناخت کافی از منابع تعیین محتوا	

حوزه آسیب کلی	ابعاد آسیب
عدم تناسب اهداف با روش‌های تعلیم و تربیت	عدم استفاده از ابزارهای هنری و ادبی
	استفاده از روش‌های اجبار و الزام و تحمیل
	متنوع نبودن روش
عدم توجه به تاثیر ارزشیابی	تضاد روش‌های ارزشیابی با اهداف تعلیم و تربیت
	عدم باور قلبی و بینش و نگرش مسئولان
	الگو برداری از فرهنگ غرب
عدم وجود خود باوری در مسئولان تعلیم و تربیت	عدم تعهد مسئولان در اجرای احکام
	الگو نبودن معلم
	بی‌تعهدی معلمان
بینش، نگرش، رفتار، علم و شخصیت معلم	عدم هماهنگی بین گفتار و رفتار معلم
	عدم تسلط بر محتوا
	عدم برخورد مناسب و عاطفی
عدم هماهنگی بین جامعه و خانواده و رسانه با مدرسه	چندشغلی بودن
	تعصبات بیجا
	در اجرای احکام
مکان و زمان تدریس	در فرهنگ و باور
	در محتوا
	در بینش و نگرش به دین
	در روش‌های تربیتی
	جو کلی آموزشگاه
	تمیز و شاداب نبودن مدارس
	عدم استفاده از ظرفیت‌های موجود
	ساعات کم تدریس با توجه به حجم محتوا

ب) راهکارها

در این بخش براساس دومین پرسش اصلی مطرح شده که عبارت بود از: "چه راهکارهایی در ارتباط با این آسیب‌ها پیشنهاد می‌کنید؟"، راهکارهای مطرح شده در یکی از مصاحبه‌ها، برای

نمونه تحت عنوان مشخص زیر مورد بررسی قرار می‌گیرد و در ادامه همین بخش، راهکارهای کلی تحقیق، ارائه می‌شود.

۱ م ۱

۱. تدوین محتوا با توجه به فرهنگ جامعه محلی ارتباط بهینه و بیشتر با جامعه محلی و ابداع سیاست‌ها و توجه به فرهنگ‌های مختلف.

۱ م ۲

۲. هماهنگی جامعه و رسانه و خانواده با مدرسه. تدوین برنامه‌هایی برای اصلاح روابط جامعه با مدرسه و پیروی از عمل‌گرایی که بر ضرورت بازسازی تجربه فردی و اجتماعی تأکید نماید.

۱ م ۳

۳. شناسایی شیوه‌های تفکر سنتی و کلیشه‌ای که موجب نابردباری و تبعیض و خرافات می‌شود.

شیوه‌های تفکر سنتی و کلیشه‌ای که موجب نابردباری، تبعیض و خرافات است، باید شناسایی و دور ریخته شود و دانش‌آموزان را از طریق تدارک عامدانه مهارت‌ها، دانش و معرفت مطلوب جامعه، به زندگی گروهی وارد کنیم؛ زیرا که دست خدا با جماعت است.

بر اساس یافته‌های این پژوهش می‌توان راهکارهای مقابله با آسیب‌های تعلیم و تربیت دینی برآمده از متن مصاحبه‌ها را به‌طور کلی تحت عنوان هشت‌گانه مشخص زیر دسته‌بندی نمود که مفاهیم مرتبط با یکی از این راهکارهای، برای نمونه در جدول (۴) ترسیم شده است:

۱. تجدیدنظر در تعیین حیطه‌های نگرشی، دانشی، توانشی و سطوح اهداف رفتاری درس دینی؛

۲. تصریح صلاحیت‌های تخصصی، تجربی، پژوهشی و آموزشی مدرسین؛

۳. تعیین ویژگی‌های شخصیتی، علمی و پیش‌نیازی دانش‌آموزان؛

۴. انتخاب محتوای متناسب با اهداف، معلم، دانش‌آموز، و جامعه؛

۵. انتخاب روش‌های تعلیم و تربیت؛

۶. تعیین طول دوره، ترم، تعداد، ترتیب، توالی و مدت جلسات لازم برای درس دینی یا بینش؛
 ۷. تعیین ویژگی‌های آزمایشگاهی، کارگاهی، تجهیزاتی، پژوهشی و رسانه‌ای مناسب؛
 ۸. تعیین ملاک‌های تحقق اهداف رفتاری و طراحی آزمون پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان

جدول ۴. مفاهیم مربوط به انتخاب روش‌های تعلیم و تربیت

مفاهیم	نکات کلیدی	کد
	آسیب‌شناسی روش‌ها	۱۳۳ ر
	استفاده از ابزارهای هنری و ادبی در نقل محتوا	۳۳۲ ر
	متناسب‌بودن روش‌ها با اهداف و محتوا	۴۱۱ ر
	استفاده از جلوه‌های هنری و زیبایی‌شناختی در تدوین محتوا	۴۱۲ ر
	تحقیق بیشتر و دقیق در ارتباط با آسیب‌ها	۴۱۴ ر
	گفت و شنود و انتقاد و تصمیم‌گیری بین معلم و دانش‌آموز	۴۱۸ ر
	برگزاری جلسات بیشتر و پرمحتواتر برای خانواده‌ها	۱۰۳۳ ر
	برگزاری کلاس‌های گفتگوی آزاد	۱۰۳۱ ر
انتخاب	پرهیز از اجبار و فشار به دانش‌آموزان در اجرای احکام دینی	۹۳۵ ر
	تربیت دینی نباید تقلیدی و مبتنی بر عادت باشد	۸۳۱ ر
روش‌های	استفاده از شیوه تربیتی بیدار کردن وجدان افراد	۳۲ ر
تعلیم و تربیت	متنوع‌نمودن شیوه‌های تبلیغ دینی در مساجد	۱۲۳۳ ر
	جذب مشارکت فرهنگی و اداره مساجد به وسیله جوانان	۱۲۳۴ ر
	استفاده از ویژگی‌های عواطف جوانان در برگزاری باشکوه مناسبت‌های مذهبی	۱۲۳۵ ر
	استفاده از نمایشنامه‌های تربیتی و حماسی در مدارس جهت تقویت فرهنگ	۱۳۳۱ ر
	دینی در دانش‌آموزان	
	تشکیل مراکز مشاوره راهنمایی در هر شهر برای هدایت دینی، اجتماعی،	۱۳۳۲ ر
	اخلاقی، جوانان و نوجوانان	
	طرح صحیح مسائل سیاسی، اجتماعی و دینی جایز داخل و خارج از کشور	۱۳۳۳ ر
	برای دانش‌آموزان، به صورت پرسش و پاسخ در مدارس یا نماز جمعه	

نتیجه گیری

تحلیل یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که: ۱. عدم توجه به نقش عقل در تربیت دینی، ۲. عدم تناسب محتوا با ویژگی‌های دانش‌آموزان، ۳. عدم تناسب اهداف با روش‌های تعلیم و تربیت، ۴. شفاف، روان و کاربردی نبودن محتوا، ۵. عدم توجه به تأثیر ارزشیابی در پیشبرد اهداف، ۶. عدم وجود خودباوری در مسئولان تعلیم و تربیت، ۸. عدم شناخت کافی از منابع تعیین محتوا، ۹. آسیب‌های مربوط به بینش، نگرش، رفتار و شخصیت معلم، ۱۰. عدم هماهنگی بین خانواده، رسانه و جامعه با مدرسه، ۱۱. آسیب‌های مربوط به زمان و مکان تدریس؛ از جمله آسیب‌ها موجود در حوزه تربیت دینی هستند. نتایج این پژوهش با پژوهش‌های پیشین همچون (بناری، ۱۳۸۰)، (لیاقت‌دار، ۱۳۸۳)، (حسین‌زاده و مشرفی، ۱۳۸۵)، (غروی‌ان، ۱۳۸۵)، (رهنما، ۱۳۸۶)، (چراغ‌چشم، ۱۳۸۶)، (پورنیک‌بخت، ۱۳۹۱) و تحقیقات دیگر تا حدودی هماهنگی دارد. در یک جمع‌بندی کلی، نتایج پژوهش حاضر و پژوهش‌های پیشین نشان می‌دهد که عوامل آسیب‌زا و موانع تربیت دینی را می‌توان به عوامل درونی (عوامل مربوط به نظام آموزش و پرورش) و عوامل بیرونی (عوامل مربوط به خارج از نظام آموزش و پرورش) تقسیم کرد.

عوامل مربوط به نظام آموزشی را می‌توان به عوامل مربوط به الف) مسئولان و برنامه‌ریزان درسی و ب) عوامل مربوط به فرایند برنامه درسی (نیازسنجی، اهداف، محتوا، روش، معلم، فراگیر، زمان، مکان، ارزشیابی) تقسیم نمود که در ذیل به هر کدام از آنها اشاره خواهد شد.

الف) عوامل مربوط به مسئولان و برنامه‌ریزان درسی و آموزشی عبارتند از: ۱. آسیب‌هایی که به مبانی نظری، نگرش یا نوع نگاه برنامه‌ریزان و کارشناسان و مسئولان به تعلیم و تربیت دینی مربوط می‌شود. ۲. فقدان برنامه‌ریزان و کارشناسان با صلاحیت در طراحی و تولید برنامه‌های درسی دینی. ۳. انفعالی برخورد کردن مسئولان در برخورد با جاذبه‌های کاذب غیردینی یا در مواجهه با بازدارنده‌های اخلاقی و دینی. ۴. سیاسی‌کاری در امر تعلیم و تربیت و استفاده سیاسی و جناحی از مجموعه‌های انسانی، چه در سطح مجریان امور و معلمان و چه در سطح دانش‌آموزان. ۵. عدم توجه و شناخت کافی به عوامل برنامه درسی پنهان و در نتیجه برنامه‌ریزی نکردن برای آن. ۶. بازپچه‌شدن دین در دست بعضی از سیاست‌بازان برای منافع شخصی یا گروهی. ۷. نداشتن برنامه جامع تربیت دینی در تمامی سنین دانش‌آموزان. ۸. توجه نکردن معلمان و دانش‌آموزان نسبت به

برنامه‌های تربیتی - دانش‌آموز برنامه‌ها را یک‌تحمیل می‌بیند برای خودش. ۹. عدم عنایت برنامه‌ریزان و مؤلفان کتاب‌های درسی به اصول روان‌شناختی هنگام تألیف کتاب‌های دینی که چه چیز را برای چه کسی، در چه زمانی، به چه میزان و با چه هدفی تألیف کنند. ۱۰. خصوصی‌سازی نظام آموزش و پرورش. ۱۱. کمبود نیروی متخصص در گروه دینی.

ب) عوامل مربوط به فرایند برنامه‌ریزی درسی عبارتند از: ۱. عدم درک درست نیازهای جامعه و دانش‌آموزان در زمان حال و آینده، ۲. عدم توجه کافی و شناخت صحیح از منابع تعیین اهداف، ۳. عدم تناسب اهداف با نیازها، علائق، شرایط و امکانات یادگیرندگان، ۴. عدم تناسب اهداف با شرایط و امکانات و نیازهای جامعه، ۵. عدم توجه به ساختار دانش و مفاهیم، اصول، مهارت‌ها و نگرش‌ها و روش تحقیق و هدف‌های خاص علوم اسلامی، ۶. بی‌توجهی به نقش همسالان، ۷. عدم اهتمام اولیا و مربیان نسبت به نهادینه‌شدن ارزش‌های دینی در فرزندان، ۸. پرداختن به جنبه‌های رفتاری تربیت دینی به جای جنبه‌های معرفتی، ۹. عدم به‌کارگیری تحلیل و استفاده از زبان هنر، ۱۰. عدم تربیت دینی صحیح خود مربی، ۱۱. عدم توجه به عنصر زمان و شرایط حاضر، ۱۲. تحمیل سکولاریسم بر جوامع مختلف و بیگانه‌نمودن انسان از فطرت خداجوی خود.

اما عوامل مربوط به خارج از نظام آموزش و پرورش عبارتند از: الف) آسیب‌های مربوط به جهانی‌شدن، ب) کاهش میزان کنترل مدارس بر آموخته‌ها، پ) کیفیت و جهت‌گیری‌های آموزشی و تربیتی دانش‌آموزان، ت) تضعیف تمایل به ایمان معنوی و رشد فرهنگ انسانی در اثر اوج مصرف‌گرایی، ث) رواج دنیاگرایی و دین‌زدایی، ج) تأکید بر جهت‌گیری غیردینی به دلیل تهی‌شدن جامعه از معنویت، چ) تضعیف نقش دین در زندگی روزمره، ح) ترویج نظام ارزشی متکی بر قرارداد اجتماعی، خ) خصیصه ساخت‌شکنی؛ د) تحمیل سکولاریسم بر جوامع مختلف، ذ) غلبه یک فرهنگ معین به سایر فرهنگ‌ها، ر) بیگانه‌نمودن انسان از خویشتن و فطرت خداجوی خود، ز) تحولات صنعتی و وانهادگی انسان در عصر صنعت.

راهکارهای مقابله با آسیب‌های تعلیم و تربیت دینی نیز عبارتند از: تجدیدنظر در حیطه‌های نگرشی، دانشی، توانشی و سطوح اهداف رفتاری درس دینی، تصریح صلاحیت‌های تخصصی، تجربی، پژوهشی، و آموزشی مدرسین، توجه به ویژگی‌های شخصیتی، علمی و پیش‌نیازی دانش‌آموزان، انتخاب محتوا متناسب با اهداف، معلم، دانش‌آموز و جامعه و انتخاب روش‌های درست تعلیم و تربیت.

بررسی آسیب‌های تعلیم و تربیت دینی در تمام مراحل و عوامل برنامه درسی می‌تواند موضوع مناسب پژوهش‌های آتی باشد.

منابع

- آکوچیان، عبدالحمید (۱۳۷۸)، درآمدی بر آسیب‌شناسی تبلیغات دینی، پیام حوزه، پاییز ۱۳۷۸، شماره ۲۳.
- باقری نوع‌پرست، خسرو (۱۳۸۰)، آسیب و سلامت در تربیت دینی، *دوفصلنامه تربیت اسلامی*، شماره ۶: ۱۳-۶۰.
- باواخانی، آزاده و میرشاه‌جعفری، سیدابراهیم (۱۳۹۴)، آسیب‌شناسی تربیت دینی در برنامه درسی دوره متوسطه از منظر معلمان و دانش‌آموزان، *کنفرانس ملی پژوهش‌های کاربردی در علوم تربیتی و روان‌شناسی و آسیب‌های اجتماعی ایران*، تهران، انجمن توسعه و ترویج علوم و فنون بنیادین و مرکز مطالعات و تحقیقات، قابل دسترسی از لینک: <https://civilica.com/doc/438394>
- بناری، علی‌همت (۱۳۸۰)، نگاهی به عوامل آسیب‌شناسی تربیت دینی نوجوانان و جوانان باتأکید بر عوامل آسیب‌زا در نظام آموزش و پرورش، *دوفصلنامه تربیت اسلامی*، شماره ۶.
- بهشتی، احمد (۱۳۶۶)، *مسائل و مشکلات تربیتی*، ج ۳، بی‌جا: سازمان تبلیغات اسلامی.
- پورنیک‌بخت، کبری (۱۳۹۱)، تبیین و آسیب‌شناسی تربیت دینی و رابطه آن با روان‌شناسی رشد، *پژوهشنامه تربیت تبلیغی*، پاییز، پیش‌شماره ۱.
- چراغ‌چشم، عباس (۱۳۸۶)، آسیب‌شناسی تربیت دینی در مدارس، *کتاب نقد*، شماره ۴۲، بهار ۱۳۸۶.
- حجتی، محمدباقر (۱۳۶۶)، *اسلام و تعلیم و تربیت*، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- حسین‌زاده، امیدعلی و مشرفی، هاشم (۱۳۸۹)، تحلیل عاملی عوامل آسیب‌زای تربیت دینی دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهر، *زن و مطالعات خانواده*، شماره ۷: ۶۰-۴۱.
- خسروپناه دزفولی، عبدالحسین (۱۳۸۶)، *آسیب‌شناسی جامعه دینی*، چاپ دوم، تهران: دفتر نشر معارف.
- دانشگر، سعید؛ جعفری، ابراهیم و لیاقت‌دار، محمدجواد (۱۳۸۳)، آسیب‌پذیری تربیت دینی و زمینه‌های آموزشگاهی آن، *دانش و پژوهش در علوم تربیتی*، شماره سوم: ۳۳-۵۲.
- داوودی، محمد و اعرافی، علی‌رضا (۱۳۹۴)، *سیره تربیتی پیامبر (ص) و اهل بیت (ع): تربیت دینی*، جلد دوم، چاپ ۱۲، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- دژاکام، علی (۱۳۷۵)، *تفکر فلسفی غرب از دیدگاه استاد مرتضی مطهری*، ج ۱، تهران: نشر اندیشه.
- راس من‌گرچن و کاترین مارشال (۱۳۹۵)، *روش تحقیق کیفی*، ترجمه علی پارساییان و سیدمحمد اعرابی، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.

رهنما، اکبر (۱۳۸۶)، آسیب‌شناسی تربیت دینی دانش‌آموزان دوره متوسطه از دیدگاه مدیران و دبیران دینی شهر قم، نشریه مسائل کاربردی تعلیم و تربیت اسلامی، بهار ۱۳۸۶، سال دوم، شماره پنجم: ۷-۲۰.

رهنما، اکبر؛ طباطبایی، فرزانه و علیین، حمید (۱۳۸۵)، آسیب‌شناسی تربیت دینی دانش‌آموزان از دیدگاه مدیران مدارس راهنمایی شهر تهران، دوماهنامه علمی-پژوهشی دانشور رفتار دانشگاه شاهد، سال سیزدهم، شماره ۲۱: ۴۳-۶۰.

ساجدی، ابوالفضل (۱۳۸۸)، دین‌گریزی چرا؟ دین‌گرایی چه‌سان؟ قرآن و نظام تربیتی نسل نو، چاپ چهارم، قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).

صافی، احمد (۱۳۸۴)، آموزش و پرورش ابتدایی، راهنمایی تحصیلی و متوسطه، تهران: انتشارات سمت.

علوی، سیدحمیدرضا (۱۳۸۵)، بررسی رفتار دینی و عوامل مرتبط با آن در نوجوانان دبیرستان‌های کرمان، دوفصلنامه تربیت اسلامی، بهار و تابستان ۱۳۸۵، شماره دوم: ۱۶۴-۱۴۳.

غروی‌ان، محسن (۱۳۸۳)، آسیب‌شناسی تربیت دینی، مجله معرفت، سال سیزدهم، شماره ۱۰.

کریمی، عبدالعظیم (۱۳۸۱)، تربیت طربناک، چاپ اول، تهران: انتشارات مؤسسه فرهنگی منادی تربیت.

کیومرثی، غلامعلی (۱۳۸۹)، مبانی و اصول تربیت دینی و تفاوت آن تعلیمات دینی، چاپ هشتم، تهران: سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی.

گلزاری، محمود (۱۳۸۲)، آسیب‌شناسی تربیت دینی جوانان، نشریه پگاه حوزه، شماره ۱۵.

مبانی نظری تحول بنیادین در نظام تعلیم و تربیت رسمی و عمومی در جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۰).

مشرقی، هاشم (۱۳۸۹)، بررسی عوامل آسیب‌شناختی تربیت دینی دانش‌آموزان دوره متوسطه شهرستان اهر، پایان‌نامه دانشجویی کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز.

Maykut, P. & Morehouse, R. (1995). **Beginning Qualitative Research: A Philosophic and Practical Guide**. London: Falmer Press.



معرفة الصدمة في التعليم و التربية الدينية عن التلامذة الثانوية المتوسطة (من رأى أختائى التعليم و التربية ، و المعلمين ، التلامذة)

بابك شمشيرى *

على شيروانى شيرى **

ليلا زارعى ***

إن هدف الدراسة العالية العامة ، اعتراف الصدمات في التعليم و تربية الدينية في نظام التعليم التربية الرسمى للبلاد و تقديم طرق الأعمال واحل الملائم نحو الإيفاض فيها عناية إلى رأى المعلمين و الأخصائين و التلامذة في هذا المجال. في عصرنا الحديث الذى تحدّد موءشّرات العلم و المهادات الحياة فيه كلّ الأيام تحديد احديتاً فأنها كان بهض المسائل و القضايا الهامة الذى عُنَى به أكثر أصحاب الأراء في التعليم و تربية الدينية الحديث في حبازة نظام التعليم و تربية الرسمى للبلاد . هذه الدراسة قد تمّت إلى الإقتراب التوعىّ و إلى طريقة المحادثة المبنيّة المنصّفة المنظّمة . إن المجتمع الدراسى فهر أساتذة التعليم و التربية في مجامعات ، و معلّمى الدينى و التربويّ و التلامذة في المرحلة المتوسطة الذين إختارو بشكل المستهدف ، و نستفيد منها من مصدر اتّخاذ النموذج اكثر حدّ المتنوع و الإيغال الى نقطه الإشباع . كان إقتراب التجزئة و التحليل فى المعلومات ، إقتراباً و صفيّاً – تفسيرياً أيضاً . عرضيت المكنسبات أن تنقسم الأسباب المصدمة و الحيلولات فى التربية الدينية إلى : ١-الأسباب و العناصر المتصلة إلى المسئولين و مصمّمى الدراسىّ و التعليمىّ ، ٢-الأسباب العناصر المرتبطة إلى عمليّة البرنامج الدراسى (تقسم اكاجه ، و الأهداف ، و المضمون ، و المنهج ، و المعلمّ ، و السامل و الزمن عوالمكان و التخمين و التقسيم) . فى الغاية يكون القسم من هذه الصدمات قابلاً للوقاية إلى اعادة النظر فى النجيل لكلّ مراحل البرنامج الدراسى و التنايسن بين الأمتام فى المؤسسات المجتمع و العناية إلى البرنامج الدراسىّ الخفية

الكلمات الرئيسية: التربية، الطفل، سبع السنوات الثانية، التعليم الإسلاميه.

* الأستاذ المساعد ، قسم العلوم التربويّة ، جامعة الشيراز

** الكاتب المسئول ، مساعدة الاستاذ ، قسم العلوم التربوية ، جامعة المتقضىين

*** النبيرة فى الماجستير